

### چکیده

در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از منابع گوناگون زبان‌شناسی، تعریفی آموزشی از تکواژ ارائه شود و برای تسهیل امر آموزش، راه تشخیص انواع تکواژها بر اساس ویژگی‌های هر تکواژ با مصداق‌های موجود در زبان بیان گردد و علت دستوری یا قاموسی بودن تکواژها از منظر علمی بررسی شود.

### کلید واژه‌ها:

واج، تکواژ، تکواژ آزاد، تکواژ بسته، تکواژ دستوری، تکواژ قاموسی، تکواژ شقایی، تکواژ تصدیقی.

### حسین خلخالی

کارشناس ارشد  
زبان و ادب فارسی و  
دبیر دبیرستان‌های  
ساری مدرس  
دانشکده فنی و مرکز  
تربیت معلم دکتر  
شریعتی  
مدرس دانشگاه  
غیرانتفاعی  
سارویه و ساریان

تکواژها اولین ساخت معنی‌دار زبان‌اند و بی‌گمان، در فرایند ارتباطات برای انتقال معانی و مفاهیم نقش اساسی و پایه‌ای ایفا می‌کنند؛ بنابراین برای کاربران و فراگیرندگان زبان اهمیت به‌سزایی دارد که تعریفی دقیق و قابل آموزش از تکواژها ارائه شود تا تبیین زبان تسهیل گردد؛ در همین باب زبان‌شناسان تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند اما همچنان نکات غامض و پوشیده‌ای در باب، تکواژها وجود دارد؛ زیرا بعضی از تعاریف کلی و مبهم یا بدون ذکر مصداق است. این تعاریف گاهی صرفاً برای دانشجویان زبان‌شناسی قابل درک و فهم‌اند نه برای همه زبان‌آموزان و فراگیرندگان زبان. برای روشن شدن مطلب به بعضی از این تعاریف اشاره می‌کنیم.

الف - به کوچک‌ترین واحد با معنی زبان تکواژ گفته می‌شود.

(ساخت‌آوایی، مشکوه‌الدینی، ص ۵۰)

ب - تکواژ از یک یا چند هجا تشکیل می‌شود... با این همه در زبان فارسی تکواژهایی هستند که فقط از یک واج ساخته شده‌اند. (مبانی زبان‌شناسی، نجفی، ۷۵-۷۴)

پ - کوچک‌ترین واحد معنی‌دار زبان را که در تجزیه اول به‌دست می‌آید، تکواژ می‌نامیم. در پارهای از زبان‌ها، از جمله زبان فارسی، تکواژهایی یافت می‌شوند که فقط از یک واج ساخته شده‌اند. (مقدمت زبان‌شناسی، باقری، ۱۷۹)

ت - واژه از بخش کوچک‌تری تشکیل می‌شود که بیش‌تر زبان‌شناسان آن‌ها را تکواژ می‌نامند. (زبان‌شناسی و زبان، فالک، ۵۲) وجه مشترک همه این تعاریف دو چیز است:

۱. تکواژها، کوچک‌ترین واحد معنی‌دار زبان‌اند؛

۲. بعضی از تکواژها تنها یک واج‌اند.

حال، واحد معنی‌دار چیست و چگونه واحدی معنی‌دار می‌شود؟ چرا واج‌ها که آواهای بی‌معنی زبان‌اند، گاهی معنی‌دار می‌شوند؟ این‌ها ابهاماتی است که سبب کندی روند آموزش و یادگیری فراگیرندگان زبان می‌شود؛ به‌ویژه در مقطع متوسطه عامل مهم سردرگمی و دل‌زدگی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند و امر آموزش زبان را تا حدی دشوار و پیچیده می‌کنند. زبان آموز همواره می‌پرسد که چرا واج/و،/ا،/یا هجاگونه‌های/ان،/ا،/تر/،/را/ و... مثل برادر، پدر، کتاب و قلم یک‌واحد معنی‌دار است و در طبقه تکواژها جای می‌گیرد؟ چه‌عاملی سبب معنی‌دار



شدن این واج‌ها و تکواژها تک‌هجایی است؟ برای این سؤال‌ها پاسخ‌های چندان مناسبی در کتاب‌های درسی وجود ندارد ولی در منابع زبان‌شناسی به‌صورت دسته‌و‌گریخته مطالبی در این زمینه‌ها آمده است که با جمع‌بندی آن‌ها می‌توان راه‌کار مناسب آموزشی ارائه کرد.

اگر زبان را یک تابلوی زیبا تصور کنیم که با مخاطبان خود از طریق نمودهای گوناگون ارتباط برقرار می‌کند، خالق تابلو برای آفرینش اثر به مواد و مصالحی چون انواع رنگ، بوم و لوازم نقاشی نیاز دارد. هر یک از این مصالح به جای خود ارزشمند و ضروری است اما یک اثر معنی‌دار نیست و هرگز با فراهم آمدن این مجموعه تابلویی خلق نخواهد شد بلکه نقاش با طرح و تلفیق رنگ‌ها و به‌کارگیری آن‌ها در جای مناسب، تابلویی زیبا و معنی‌دار خلق می‌کند. به همین منوال، کاربر زبان نیز با به‌کارگیری واج‌های رایج در حوزهٔ زبانی - که مصالح زبان‌اند - طی فرایندهای خاصّ واجی، هجاسازی می‌کند. گاه در همان ساخت‌های اولیه، هجاهای ساخته شده، واحد معنی‌دارند و تکواژ شمرده می‌شوند؛ مثل: آب + ب ← آب، و گاهی صلاحیت پوشیدن پیراهن معنی‌دار ندارند و باید با هجای دیگر ترکیب شوند تا واحد معنی‌دار به‌وجود آید؛ مثل: پ + - + | - د + | ر | ← پدر.

این واحدهای معنی‌دار استقلال معنایی دارند و در زبان به تنهایی یا در ترکیب با واژگان دیگر به‌کار می‌روند و در همهٔ زبان‌های دنیا بیش‌تر واژگان پایهٔ زبان را تشکیل می‌دهند؛ از این‌رو، واژگان نویسان، فرهنگ لغات و واژه‌نامه‌های زبان را براساس این واژگان می‌نویسند و اغلب، این تکواژها با یکی از حواس‌های پنج‌گانه با مفاهیم عینی یا انتزاعی قابل درک‌اند؛ به‌چنین واحدهای کوچک معنی‌داری که استقلال معنایی دارند و مبنای واژگان نگاری‌اند، تکواژ قاموسی (Lexical morpheme) گفته می‌شود.

از دیگر وجوه‌مهمهٔ تکواژهای قاموسی این است که روزبه‌روز با پیش‌رفت علوم و فنون گسترده‌تر می‌شوند؛ از این‌رو، مجموعهٔ آن‌ها را می‌توان یک فهرست باز دانست. به‌طوری‌که هرگز نمی‌توان با قطعیت تعیین کرد که فلان زبان چند تکواژ دارد؛ زیرا در هراجتماع، همواره نیازهایی تازه پدید می‌آید که برای آن‌ها باید تکواژها یا واژه‌های جدید وضع کرد. گاهی نیز بنابر ضرورت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی، واژگان محدودی از این گروه، نظیر آیزن، چهار آیین، و آخشایج، در دوره‌ای کهنه و متروک می‌گردند یا با تغییر معنا و کارکرد جدید در زبان ظاهر می‌شوند؛ مثل رکاب، زین، کرسی و...

تکواژهای قاموسی علاوه بر این که به‌خودی‌خود دارای معنای مستقل‌اند، در صورت نیاز، نه لزوماً، با واحدهای معنی‌دار دیگر، اعم از گونهٔ قاموسی یا غیرقاموسی، ترکیب می‌شوند و واژه‌های جدیدی می‌سازند: پدر + بزرگ ← پدربزرگ | آموز + گار ← آموزگار.

وجه‌مهمهٔ واژگان قاموسی نسبت به سایر واژگان، استقلال کاربردی و معنایی آن‌هاست؛ به همین سبب پیوسته تکواژهای آزاد زبان محسوب می‌شوند همان‌طور که پیش از این گفته شد، در بین تکواژهای زبان واحدهای معنی‌دار دیگری وجود دارند که آن‌ها را نمی‌توان در طبقهٔ تکواژهای قاموسی جای داد؛ چرا که به‌خودی‌خود مثل تکواژهای قاموسی حامل بار معنایی نیستند بلکه اهل زبان بر اساس امکانات و شتم زبانی خود، معانی و مفاهیم دستوری خاصی به این تکواژها می‌دهند و از آن‌ها در انتقال پیام و ارتباطات زبانی بسیار بهره می‌برند.

این تکواژها از آن‌جا که معنای دستوری دارند، باید تکواژ دستوری شمرده شوند نه این‌که صرفاً نقش‌ساز یا نقش‌مند تکواژ دستوری باشند؛ چون بسیاری از این تکواژها فقط زمینهٔ تصریف واژه‌ها را فراهم می‌آورند و افادهٔ نقش دستوری نمی‌کنند. در عبارت «علی کتابی را آورد» «ی» تکواژ دستوری است؛ به لحاظ این که مفهوم دستوری (نکره یا ناشناس) دارد نه این‌که نقش‌ساز دستوری باشد. گرچه منافاتی ندارد که تکواژها دستوری نقش‌ساز باشند؛ چنان‌که بعضی از آن‌ها چنین کاری را انجام می‌دهند: مثل «از» در عبارت «از راستی نباید رنجید».

بر این اساس، واحدهایی را که معنی و مفهوم دستوری دارند، تکواژهای دستوری باید نامید. اکنون می‌توان تفاوت بین تکواژهای دستوری و قاموسی را این‌گونه بیان کرد:

۱. تکواژهای دستوری برخلاف تکواژهای قاموسی صرفاً معنای دستوری دارند؛

۲. بار معنایی‌شان اندک است؛ حتی گاهی آن‌ها را تکواژهای خالی می‌دانند و تکواژهای قاموسی را تکواژهای پر نام‌گذاری می‌کنند (مقدمت زبان‌شناسی، باقری، ۲۰۸). گرچه بعضی از تکواژهای قاموسی، نظیر بن مضارع پاره‌ای از افعال، به تنهایی کاربرد ندارند و به قول خسرو فرشید ورد، نیمه کلمه‌اند (جمله و تحول آن در زبان فارسی، فرشید ورد، ۲۶). مثل دان که در ترکیب با واژه‌های دیگر کاربردی و معنی‌دار می‌شود.

۳. تکواژهای دستوری بر خلاف تکواژهای قاموسی جزو تکواژهای «گروه محدود یا فهرست بسته» اند (مبانی زبان‌شناسی، ۹۵-۹۴) بدین معنی که بسامدشان در هر متن

از دیگر وجوه  
ممیزهٔ تکواژهای  
قاموسی  
این است که  
روزبه‌روز  
با پیش‌رفت  
علوم و فنون  
گسترده‌تر  
می‌شوند؛ از  
این‌رو، مجموعهٔ  
آن‌ها را می‌توان  
یک فهرست باز  
دانست

تکواژهای آزاد  
دستوری در  
زنجیره خط و  
گفتار استقلال  
معنای دستوری  
و استقلال املائی  
دارند و بعضی  
از آنها نقش  
سازند؛ حرف  
اضافه، حرف  
نشانه مفعول،  
حرف نقش  
نمای اضافه،  
نشانه‌های  
آغازین ندا (ای و  
یا) در این طبقه  
از تکواژهای آزاد  
جای می‌گیرند

زیاد اما تعدادشان در طبقه دستوری اندک است و بیش‌تر آن‌ها در زبان حالت سترون و نازا دارند. در حالی که تکواژهای قاموسی زایا و رو به ازدیادند.

به هر حال، تکواژهای دستوری خود دو گونه‌اند:  
۱. تکواژهای آزاد دستوری  
۲. تکواژهای وابسته دستوری.

### تکواژهای آزاد دستوری

در زنجیره خط و گفتار استقلال معنای دستوری و استقلال املائی دارند و بعضی از آنها نقش سازند؛ حرف اضافه، حرف نشانه مفعول، حرف نقش نمای اضافه، نشانه‌های آغازین ندا (ای و یا) در این طبقه از تکواژهای آزاد جای می‌گیرد.

جرج یول از این تکواژها به عنوان تکواژهای آزاد نقشی (بررسی زبان فارسی، یول، ۱۲۰) یاد می‌کند اما عده‌ای دیگر چنین «تکواژیایی را که به گروه‌های محدود و بسته زبان تعلق دارند و با وجود داشتن معنا و مفهومی خاص به تنهایی به کار نمی‌روند و اغلب ایفاکننده نقش‌های دستوری می‌باشند... و اکثراً به تنهایی به کار نمی‌روند و اغلب به تکواژهای دیگر می‌پیوندند «تکواژهای وابسته» (مقدمت زبان‌شناسی، باقری، ۲۰۷) می‌پندارند؛ در صورتی که تکواژهای آزاد دستوری با سایر تکواژهای دستوری وابسته، که بعد از این درباره آن‌ها سخن خواهیم گفت، چند تفاوت اساسی دارند.

۱. در خط، استقلال املائی و معنای دستوری دارند و به واژه پایه نیاز چندانی ندارند و گاه با معنا و مفهومی غیر از معنا و مفهوم دستوری یا نقش‌ساز رایج ظاهر می‌شوند؛ مثل:

ای نام تو بهترین سر آغاز  
بی‌نام تو نامه کی کنم باز  
ای حیات عاشقان در مردگی  
دل نیابی جز که در دل بردگی  
بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم  
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم  
عمر برف است و آفتاب تموز  
اندکی ماند و خواجه غره هنوز  
کار اصل ضبط کردن اولی‌تر که سوی فرع گراییدن.

(تاریخ بیهقی ص ۱۴)  
تا ابوالسعکر... به مکران نشانده آید و عیسی مغرور عاصی را  
برکنده شود. (تاریخ بیهقی، ص ۵۶)

همان‌گونه که ملاحظه کردید، «ای» حرف ندا مستقل و بدون ندا ظاهر شده است و در بیت دوم، بدون مفهوم خطاب به معنای تنبیه (هان بدان) و در بیت سوم «را» به جای این‌که نشانه مفعول باشد، به جای نقش نمای اضافه به کار رفته است. در بیت چهارم و عبارت پنجم «و» و «که» حرف

ربط به جای حرف اضافه، و به معنای «در برابر» و «از» به کار رفته‌اند. هم‌چنین، در عبارت پنجم «را» نه تنها نشانه مفعول نیست بلکه زاید است یا صرفاً برای تأیید آمده است.

۲. در محور کلام و خارج از آن، یک واحد زبانی معین و با اسم خاص چون حرف ربط، اضافه، نشانه مفعول، ضمیر و ندا برای اهل زبان شناخته شده‌اند نه چیز دیگر اما تکواژهای دستوری وابسته واجی شکل در خارج از زنجیره گفتار و خط، تنها یک واج شمرده می‌شوند و اصلاً استقلال املائی ندارند.  
۳. بعضی از این تکواژها، نظیر ضمائر گسسته، مثل تکواژهای قاموسی وابسته می‌پذیرند و این، نشانه آزاد بودن آن‌هاست؛ مثل من بیچاره به هر دری زدم، راه به جایی نبردم.

پس، تکواژهای آزاد دستوری عبارت‌اند از:

۱. حروف ربط
۲. حروف اضافه
۳. ضمائر شخصی
۴. ضمائر اشاره
۵. ضمائر تعجبی
۶. ضمائر مشترک
۷. ضمائر مبهم
۸. ضمائر پرسشی
۹. ضمائر ملکی
۱۰. نشانه‌های ندای پیشین

### تکواژهای دستوری وابسته

بسیاری از این واحدهای معنی‌دار، چنان‌که گفته شد، در خارج از زنجیره خط و گفتار معنای خاصی ندارند. حتی ممکن است از نظر شکل ظاهری با واج‌ها تفاوتی نداشته باشند ولی در محور کلام، معنای دستوری دارند و باید آن‌ها را در طبقه تکواژها جای داد. در عبارت «پروردگارا به درگاه تو پناه می‌آورم» / ا-، / و-، / م / به ترتیب در واژه‌های پروردگارا، درگاه و می‌آورم، یک تکواژ یا واحد معنی‌دارند اما / م / در می‌آورم / در درگاه هرگز یک تکواژ شمرده نمی‌شوند. چه تفاوتی بین این دو نوع واج است که در نمونه‌های اولی، تکواژ معنی‌دارند و در نمونه‌های دوم، تنها یک واج‌اند؟ اساساً آیا واج می‌تواند تکواژ باشد؟

بی‌گمان پاسخ سؤال اخیر مثبت است؛ زیرا ضرورت زبانی برای بعضی از واج‌ها بسته به موقعیتی که در آن قرار می‌گیرند، چنین امکاناتی را فراهم می‌کند؛ چون اهل زبان برای استفاده بهتر و فرجه کردن زبان، معنای دستوری خاصی را بر دوش بعضی از واج‌های زبان می‌نهند و این واج‌ها به صورت تکواژ در جاهای مخصوصی، نه در همه‌جا، معنی‌شان را بروز می‌دهند؛ // در پروردگارا و نظیر آن می‌تواند حال مفهوم

اهل زبان برای استفاده بهتر و فربه کردن زبان، معنای دستوری خاصی را بر دوش بعضی از واج‌های زبان می‌نهند و این واج‌ها به صورت تکواژ در جاهای مخصوصی، نه در همه جا، معنی‌شان را بروز می‌دهند

تصریف به شکل‌های گوناگون در همان طبقه دستوری فراهم می‌آورند که به آن‌ها تکواژهای تصریفی (Grammatical morpheme) می‌گویند ولی گونه دیگری از این تکواژها که اغلب، نوع دستوری کلمه‌ها را تغییر می‌دهند و بر بار معنایی آن‌ها اثر می‌گذارند، تکواژهای اشتقاقیاند (erivative morpheme). این تکواژها همیشه به صورت وابسته به همراه واژگان پایه به کار می‌روند و از این‌رو، از آن‌ها به عنوان وند در زبان یاد می‌شود. برای تشخیص این وندها، علاوه بر آنچه پیش از این گفته شد، می‌توان گفت که در زبان فارسی به جز پیشوندهای تصریفی وابسته به فعل، بقیه تکواژهای تصریفی مثل تکواژهای تصریفی زبان انگلیسی همیشه پسوندند. به قول فالک «هم‌چنین جایگاه وندها نسبت به ریشه می‌تواند معیاری برای تفکیک وندهای اشتقاقی و تصریفی از یک‌دیگر باشد. وندهای اشتقاقی در مجاورت ریشه یا یک وند اشتقاقی دیگر ظاهر می‌شوند. از سوی دیگر، وندهای تصریفی پس از وندهای اشتقاقی در پایانی‌ترین جایگاه واژه قرار می‌گیرند.» (زبان‌شناسی و زبان، ۵۴)

پس، تکواژ کوچک‌ترین واحد معنی‌دار قاموسی و دستوری زبان است.

- انواع تکواژهای تصریفی وابسته عبارت‌اند از:
۱. ضمائر متصل
  ۲. ندای پسین
  ۳. نشانه‌های جمع
  ۴. وندهای وابسته به فعل (شناسه، ن، م/ب، می، ه، ا، دعایی، سؤال و جواب)، اندن/انیدن (کذرا ساز)
  ۵. ی نکره.

انواع تکواژهای اشتقاقی عبارت‌اند از:

۱. وندهای اسم‌ساز
۲. وندهای صفت و قیدساز
۳. وند ترکیب ساز.

خطاب باشد و به صورت تکرارپذیر هر واژه‌ای در جایگاه ندا قرار بگیرد // همین مفهوم ندایی را القا کند.

یا واج - با معنی دستوری به تکواژ تبدیل می‌شود و واحد معنی‌دار خاصی برای فارسی زبانان است که با واج «ه به e» زبان فارسی و واج - واحد زبان عربی در نقش‌سازی تفاوت دارد؛ چون هیچ فارسی‌زبانی درباره ی ترکیب در گاه تو، نمی‌گوید در گاه و تو؛ چون متمم و مضاف‌الیه‌اند. پس محلاً مجرورند؛ زیرا زبان فارسی چنین امکانی را برای این زبان درست نمی‌داند.

البته باید گفت که چنین امکانات زبانی در زبان‌های دیگر نیز وجود دارد؛ چنان‌که /a/ در زبان انگلیسی یا /al/ در زبان عربی یک حرف یا واج بی‌معنی به حساب می‌آید اما در عبارت He is a scientist / لک قلم

/a/و/ یک واحد معنی‌دار است و در طبقه تکواژها قرار می‌گیرد. این تحول فقط در حوزه واج‌ها اتفاق نمی‌افتد بلکه در نظام معنایی برای بعضی از عبارت‌ها، واژه‌ها و تکواژهای قاموسی زبان نیز رخ می‌دهد؛ به نحوی که بعضی از تکواژها علاوه بر این که معنای خاص خود را دارند، تحت عنوان نماد، استعاره و... حامل معنای دیگری می‌شوند. مابین پرندگان کلاغ را نماد پستی، و در بین رنگ‌ها رنگ زرد را نشان تنفر می‌دانیم. ممکن است همین مقوله‌ها در فرهنگ سایر ملل جهان مفهوم دیگری داشته باشد. قطعاً معنای قاموسی کلاغ، پستی و رنگ زرد، تنفر نیست بلکه اهل زبان، بنا بر دلالت‌های خاص زبانی، فرهنگی، اجتماعی، دینی و... چنین مفاهیمی را به بعضی از واژگان می‌دهند.

بنابراین واج‌هایی که به خودی خود معنای خاصی ندارند و اهل زبان آن‌ها را با معنای دستوری خاص وارد زبان می‌کنند تا افاده معانی و مفاهیم دستوری متفاوتی کنند، تکواژهای دستوری شمرده می‌شوند. آن‌ها همیشه به صورت وابسته به همراه واژگان پایه می‌آیند و گاه با آن‌ها پیوند هجایی می‌خورند و با هجاهای واژگان پایه در می‌آمیزند؛ مانند:

پیوند هجایی	بدون پیوند هجایی
خو - بی Xo-bi	خوب - ی Kob-i
دا - نا Da-na	دان a   Dan

غیر از تکواژهای واجی شکل، تکواژهای دستوری وابسته یک یا دو هجایی دیگری در زبان وجود دارد که استقلال املائی ندارند و به صورت وابسته پیشین و پسین به همراه واژه پایه می‌آیند و زمینه را برای تصریف یا اشتقاق واژگان زبان فراهم می‌کنند؛ مثل: - ها، ان، تر، ترین، یم، شان - مند، - وار، گار.

این تکواژها از نظر کاربرد دوگونه‌اند؛ دسته‌ای از آن‌ها معمولاً طبقه دستوری کلمه را تغییر نمی‌دهند بلکه زمینه را برای

#### منابع

۱. باقری، مه‌ری؛ مقدمات زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.
۲. فالک، جولیا اس؛ زبان‌شناسی و زبان، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، آستان قدس رضوی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
۳. فرشیدورد، خسرو؛ جمله و تحول آن در زبان فارسی.
۴. مشکوه‌الدینی، مهدی؛ ساخت‌آوایی، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۵. نجفی، ابوالحسن؛ مبانی زبان‌شناسی، نیلوفر، چاپ پنجم ۱۳۷۶.
۶. یول، جرج؛ بررسی زبان فارسی، ترجمه محمود نورمحمدی، ویرایش دوم.